

Manifestations of Human Dignity in the Rights of the Wife and the Role of the Media in Realizing it

Zahra Taheripour¹
Maryam Khalafi²

Abstract

Human dignity, as one of the basic and fundamental concepts in the rights of the wife, has a special place in religious, jurisprudential, and legal teachings. This concept refers to respect for individual identity, dignity, rights, and values in relationships between couples, and its observance plays an important role in preventing marital conflicts, preserving individual dignity, and strengthening the foundation of the family. Meanwhile, the media, as one of the important pillars of today's societies and powerful tools for influencing public opinion, can play a key role in raising awareness, explaining, and promoting the status of human dignity within the framework of women's rights. This research aims to answer the question: "What is the role of the media in explaining human dignity and the rights of wives?" The research type is qualitative with a descriptive-analytical approach and fundamental-applied in terms of purpose. The data were collected using the analysis of jurisprudential, legal, and media sources. The results of the study show that human dignity is rooted in revelation and is recognized in the Quran, Islamic jurisprudence, and the country's legal system. Also, the introduction of this concept into the media has increased sensitivity to the rights of the wife, and by explaining it correctly, the media can play an effective and decisive role in promoting public culture, strengthening policymaking, and supporting marital rights.

Keywords: Human Dignity, Media, Wife's Rights, Civil Law, Jurisprudence.

1- Assistant Professor, Department of Law, Tehran Refah College, Tehran, Iran

taheripour@refah.ac.ir

2- Student (Master's), Department of Law, Tehran Refah College, Tehran, Iran

khalafim764@gmail.com

جلو‌های کرامت انسانی در حقوق زوجه و نقش رسانه در تحقق آن

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۳/۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۴/۰۶/۱۴۰۴

زهرا طاهری پور*

مریم خلفی^۲

چکیده

کرامت انسانی، به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی و بنیادین در حقوق زوجه، از جایگاه ویژه‌ای در آموزه‌های دینی، فقهی و حقوقی برخوردار است. این مفهوم ناظر بر احترام به هویت، شأن، حقوق و ارزش‌های فردی در روابط میان زوجین است و رعایت آن نقش مهمی در پیشگیری از تعارض‌های زناشویی، حفظ حرمت فردی و تحکیم بنیان خانواده دارد. در این میان، رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ارکان مهم جوامع امروزی و ابزارهای قدرتمند جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی، می‌توانند نقش کلیدی در آگاهی‌بخشی، تبیین و ارتقای جایگاه کرامت انسانی در چهارچوب حقوق زوجه ایفا کنند. این پژوهش با هدف پاسخ به این پرسش که «نقش رسانه در تبیین کرامت انسانی و حقوق زوجه چیست؟» صورت گرفته است. نوع پژوهش، کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و از حیث هدف، بنیادی-کاربردی است. داده‌ها با استفاده از تحلیل منابع فقهی، حقوقی و رسانه‌ای گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کرامت انسانی ریشه در وحی دارد و در قرآن، فقه اسلامی و نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شده است. همچنین، ورود این مفهوم به حوزه رسانه موجب افزایش حساسیت نسبت به حقوق زوجه شده و رسانه‌ها با تبیین درست آن می‌توانند در ارتقای فرهنگ عمومی، تقویت سیاست‌گذاری‌ها و حمایت از حقوق زناشویی نقشی مؤثر و تعیین‌کننده داشته باشند.

واژگان کلیدی

کرامت انسانی، رسانه، حقوق زوجه، قانون مدنی، فقه.

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران

taheripour@refah.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق، دانشکده غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران

khalafim764@gmail.com

۱- مقدمه

بنیان خانواده براساس اخلاق و فطرت پاک انسان‌ها بنا نهاده می‌شود و اهداف مترقی نظام آفرینش را دنبال می‌کند. نهادی که در عین اینکه کوچک ترین نهاد اجتماعی است، از مقدس‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. زن و شوهر به‌عنوان ارکان اولیه تشکیل‌دهنده خانواده نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند که این امر با عنایت به اهمیت نهاد خانواده امری بدیهی است. قانون حدود و وظایف متقابل زوجه را تعیین نموده است تا از این رهگذر مانع ایجاد اختلاف‌ها گردد و یا در صورت بروز اختلاف راهی برای حل آن‌ها باشد. بخشی از این حقوق مختص زوج یا زوجه است که باید آن‌ها را مراعات نمایند. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی در همین ارتباط مقرر می‌دارد: «همین که نکاح به‌طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجه در مقابل هم‌دیگر برقرار می‌شود».

حقوق و منزلت زن توسط ابزارهایی به نمایش درمی‌آید که یکی از این ابزارها رسانه می‌باشد. امروزه رسانه‌های جمعی یکی از ستون‌های اصلی هر نظام اجتماعی و از ارکان اساسی و مهم هر جامعه‌ای می‌باشند که به‌سبب گستردگی و برخورداری از فناوری‌های روز همچنین تکثر و تعدد مخاطبان، نقش محوری در بازخوانی، بازتولید و اشاعه فرهنگ در جامعه دارند. رسانه‌های جمعی می‌توانند افکار عمومی را به‌سوی کمال، معنویت و راستی سوق داده، خدمتگزار جامعه، فرد و انسانیت مخصوصاً جایگاه زوجه باشند. این اصل زمانی تحقق می‌یابد که رسانه‌های جمعی در نظر و عمل پایبند به اخلاقیات و موازین فرهنگی و اعتقادی جامعه باشند. رسانه‌ها مهم‌ترین موج انقلاب‌های فرهنگی در جهان را به‌وجود آورده‌اند. گروه‌های سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی زمان زیادی را صرف تبلیغ اهداف، ارزش‌ها و محصولات اقتصادی، فرهنگی خود از طریق رسانه‌ها می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی هر گروه اجتماعی در جامعه، دسترسی به رسانه‌های جمعی برای ترویج ارزش‌ها و هنجارهای ایدئال خود است. بالاین‌حال، نکته مهم این است که رسانه‌ها چقدر به حقوق شهروندی و مسئولیت‌های خود در قبال تکالیف رسانه‌ای توجه دارند. با توجه به اینکه تکالیف حقوقی رسانه‌ها از جامعه‌ای

به جامعه دیگر در حال تغییر است و این تغییرها غالباً کرامت و هویت انسانی را در جوامع تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به همین جهت توجه به رسانه در بحث اعتلای هویت و کرامت انسانی موضوع موردنظر در این مطالعه قرار گرفته است که می‌کوشد عملکرد رسانه‌ها را در مواجهه با حقوق انسانی، هویت اجتماعی و کرامت انسانی در جوامع، بررسی کرده و مبانی این بحث را در کنوانسیون‌ها، قوانین، فرهنگ رسانه‌ای جست‌وجو و مورد بحث قرار دهد تا در پایان به این نتیجه برسد که عامل بی‌توجهی به هویت، کرامت و حقوق انسانی مهمترین خطری است که می‌تواند رسانه‌های جمعی را از مسیر اصلی خود منحرف کرده و نظام فرهنگی جوامع را مورد تهدید قرار دهد (جعفرزاده اقدم، ۱۳۹۷، ص. ۶۷).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منزلت والایی برای زن قائل شده است و در همین ارتباط دولت را موظف نموده تا حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و به تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون تأکید شده است. از جمله این حقوق می‌توان به مهریه، حق نفقه، حق زن در استقلال دارایی، حق شیردهی، اجرت‌المثل، حق زن در طلاق رجعی، حق ارث، جبران زیان مادی و معنوی، حق زن در استفاده از حق حبس و شرط برخورداری از نصف دارایی در صورت طلاق از سوی زوج، حق و مسئولیت زن نسبت به نگهداری و تأمین معاش والدین نیازمند خود، می‌توان اشاره نمود. علاوه بر امتیازهایی که برای زنان در حقوق خانوادگی پیش‌بینی شده است، به دلیل حق ریاست مرد در خانواده که در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی لحاظ شده است برخی از تفاوت‌ها در حقوق زن و مرد وجود دارد و اینکه در قوانین فقهی اشاره به این امر شده است که ریاست خانواده برعهده مرد است (ارسطویی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۳). به علاوه کرامت انسانی در دو بخش ذاتی و اکتسابی مدنظر قرار می‌گیرد. نحوه تأثیر خانواده در تقویت کرامت انسانی در محور آموزش و انتقال ارزش‌ها، حمایت عاطفی و روانی و همچنین تأمین نیازهای اولیه و امنیت اقتصادی قابل‌تبیین است. در بُعد آموزشی روش‌هایی چون روش مستقیم، الگوی رفتاری، تشویق و تنبیه، تغذیه فکری، بحث و گفت‌وگو می‌تواند در ارتقای کرامت انسانی مفید و مؤثر باشد. در حمایت عاطفی و روانی نیز تأمین محبت، توجه و احترام گذاشتن به فرزندان از نکات موردتوجه در این زمینه است؛

اما مواردی چون عدم احترام متقابل، خشونت خانگی، عدم حمایت عاطفی، انتظارات بی‌جا و نقص در ارتباطها از عوامل تضعیف کرامت انسانی است (اکبرنیا و محمدی، ۱۳۹۴، ص. ۳۴). محور دوم کرامت، ضامن حضور مؤثر اجتماعی زن است. زن و مرد می‌توانند به همه کرامت‌های انسانی برسند و در همه زمینه‌ها پیشرفت کنند. دین اسلام تأکید دارد که باید کرامت دختران و زنان حفظ شود تا بتوانند بر پایه کرامت در عرصه مختلف علمی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیشرفت کنند و به حیات طیبه برسند. حفظ کرامت آن است که نگاه جنسیتی و ابزاری به آنان نشود بلکه به‌عنوان عضو اجتماعی مؤثر با توانمندی متفاوتی از مردان باشد، ما زن را به عفت، عصمت و حفظ کرامت انسانی دعوت می‌کنیم. این کرامت زن است و هرگونه نقش‌آفرینی واقعی زنان در گرو حفظ کرامت زن است (شعبانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳).

اگر قوانین فقهی و حقوقی تابع منطق واحدی بوده، از نظم و انسجام درونی و بیرونی لازم برخوردار باشد، می‌تواند کرامت انسانی را در بین زوجین تضمین کرده، زمینه را برای استقرار و استمرار عدالت بین زن و شوهر فراهم آورد (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۵، ص. ۷؛ عربتی موفق، ۱۳۹۶، ص. ۱۴)؛ اما در برخی موارد بعضی قوانین باعث سوءاستفاده طرفین از هم نیز شده است؛ برای مثال همان‌طور که اشاره گردید در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی و همین‌طور در قرآن کریم و فقه، ریاست خانواده بر عهده مرد گذاشته شده است (قره‌داغی، ۱۳۹۶، ص. ۲۲۱). سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا این امر به کرامت زن لطمه نمی‌زند؟ در جایی دیگر نیز حق طلاق در قانون و در فقه در انحصار مردان گذاشته شده است. سؤالی دیگر پیش می‌آید و این است که آیا این انحصار حق طلاق که در فقه و حقوق (ماده ۱۱۳۳ ق.م) در اختیار مردان گمارده شده است به کرامت زن لطمه‌ای وارد نمی‌کند؟ چرا که با این حق مردان ممکن است باعث اذیت زوجه شده و موجبات سلب آسایش وی را فراهم آورند یا از سویی نیز حق مهریه که برای زن به‌صورت عدالاستطاعه و عندالمطالبه (ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده) در فقه و حقوق (مواد قانونی ۱۰۷۸ الی ۱۱۰۱ ق.م) آمده است، موجبات سوءاستفاده‌هایی را برای برخی زنان فراهم آورده است.

با توجه به شرایط عصر حاضر و توجه بانوان و زوجه به مسائل و حقوق، سعی شده به‌طور عادلانه زوجه به‌تمامی حقوق خود دست یابد؛ زیرا رفتار زنان از گذشته تا به الان

با تغییرهای فراوانی همراه بوده است و تمام تلاش خود را برای گرفتن حقوق خود انجام می‌دهند. با توجه به بررسی مطالعات می‌توان گفت که به‌طور کلی حقوق زوجه می‌تواند بسیار با اهمیت و با ارزش تلقی شود. با توجه به شرایط جامعه امروز و مشکلات ناشی از تحول‌های فرهنگی و سخت‌تر شدن شرایط زندگی، هر کدام از زوجین می‌توانند ضمن انجام فعالیت‌های آزادانه زندگی، به حقوق و تعهدهای خود از زمان عقد نکاح نیز عمل کنند؛ اما از سویی هم ممکن است زوجه به تعهدهای خود عمل نکرده و یا سوءاستفاده‌هایی را از حق و حقوق قانونی خود نسبت به طرف مقابل انجام دهند. براین اساس موضوعی که در این بین مورد اهمیت بیشتری قرار می‌گیرد، این است که در این حق و حقوقی که بر عهده زوجین است، کرامت انسانی رعایت شده است؟ بنابراین و از آنجاکه موضوع کرامت انسانی این روزها به علل مختلف در پژوهش‌های نظری و علوم انسانی بیشتر استفاده شده، این پژوهش نیز با این موضوع انتخاب گردیده است؛ بنابراین هدف از این مطالعه بررسی جلوه‌های کرامت انسانی در حقوق زوجه و نقش رسانه در تحقق آن است. همچنین در این راستا پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است: بررسی متون و منابع پیشین نشان می‌دهد که مفهوم کرامت انسانی در بستر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جنبه‌های مختلف مطالعه شده است. حبیب‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، با تمرکز بر ابتدای حقوق بشر و شهروندی بر کرامت انسانی، نتیجه گرفتند که اصول قانون اساسی ایران بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی و کرامت شهروندان استوار است. همچنین، رحمانی و موذنی (۱۳۹۵)، بیان کردند که کرامت ذاتی انسان به‌عنوان اصلی پذیرفته‌شده، در تمامی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل‌شناسایی است. ارغوانی پیرسلامی و دهقان (۱۳۹۶) نیز با بررسی نسبت قانون اساسی و حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسیدند که این قانون با تأکید بر کرامت فردی و حقوق ملت، الگویی برگرفته از مبانی اسلامی ارائه می‌دهد. با این حال، در پژوهش‌های یادشده بررسی مستقلی درخصوص جایگاه کرامت انسانی در حقوق زوجه مشاهده نمی‌شود. درهمین راستا، آمدی (۱۴۰۱)، با تمرکز بر نقش رسانه در تبیین حقوق زنان، نشان داد که رسانه می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای آگاهی عمومی نسبت به حقوق زنان

و جلوگیری از تضییع آن ایفا کند.

۲- مفهوم‌شناسی

۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی کرامت انسانی

کرامت انسانی از نظر لغوی کرامت انسان، شرافت و برتری انسان بر آفریده‌های دیگر است (زبیدی، ۱۴۱۴ق)، و از نظر اصطلاحی می‌توان چنین گفت در دنیای امروزی چالش حقوقی، حقوق بشر است و در میان مبانی آن، کرامت انسانی اصل مهمی شمرده می‌شود (مهرپور، ۱۳۷۴، ص. ۳۶۰).

از آنجاکه «کرامت» یک واژه عربی است و معادل فارسی آن گویا و روشن نیست و به‌رغم همه تلاش‌ها و تکاپوها نمی‌توان تعریف جامع و مانع و یا حدّ و فصل منطقی برای آن مشخص نمود؛ بنابراین در بسیاری از متون فارسی از خودِ واژه کرامت استفاده می‌شود: «اگر ما خواسته باشیم کلمه کریم را به فارسی ترجمه کنیم، باید چند کلمه را کنار هم بگذاریم تا معنای کریم روشن شود. روح بزرگوار و منزّه از هر پستی را کریم می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ص. ۲۱).

کرامت ذاتی یا کرامت انسانی، صرف‌نظر از ریشه، بنیان و قلمرو شمول آن در نگرش‌های دینی و عرفی مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است. علامه محمدتقی جعفری رویکرد خاصی به کرامت ذاتی داشته و ضمن پذیرش آن به‌عنوان یک پدیده ذاتی و طبیعی آن را سلب شدنی و وابسته به سرشت کردارهای ارادی و آزاد می‌داند؛ بنابراین در این نگرش اگرچه در بدو تکوین خمیر مایه انسان، وی از ارزش ذاتی برخوردار است و این ارجمندی استعدادها و شایستگی‌های به‌ویدعت نهاده شده الهی در وجود اوست؛ اما نتیجه اعمال و کردارهای وی می‌تواند آن را از اثر تهی‌سازد (جعفری، ۱۳۷۰، ص. ۲۵).

۲-۲- حق

حق در برخی ادبیات بدین‌گونه تعریف شده است: «توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مال به‌طور مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را

از دیگری بخواهند».

حق به معنای خاص عبارت است از توانایی خاص برای انجام دادن عملی که گاهی به عین و گاهی به عقد و گاهی به شخص تعلق می‌گیرد؛ مانند حق تحجیر، حق خیار و حق قصاص. به موجب این تعریف هر چند موضوع حق در موارد مختلف یکی از سه چیز است، ولی متعلق حق در تمام موارد، عملی است که به یکی از آن‌ها تعلق گرفته است و به این علت، با ملک فرق واضحی دارد؛ زیرا ملک احاطه و سلطه‌ای است که به خود عین یا منفعت تعلق می‌گیرد؛ برای نمونه، صاحب حق تحجیر حق دارد زمین تحجیر شده را احیا کند تا مالک شود یا صاحب خیار، حق دارد عقد خیاری را فسخ کند، درحالی‌که شخص مالک بر روی ملک سلطه کامل و مطلق دارد (محقق داماد، ۱۳۶۴، ص. ۱۴۸).

۲-۳- تکلیف

تکلیف در زبان فارسی به معنای کاری دشوار به عهده کسی گذاشتن، فرمان به کاری سخت و پرمشقت دادن، وظیفه و امری که به عهده شخص است و باید انجام دهد، آمده است. در فارسی کلمه «باید» و «نباید» معادل واژه تکلیف به کار می‌رود. در اصطلاح فقه، تکلیف الزام به کاری است که در آن مشقت وجود دارد. لغاتی که در فقه مترادف با این کلمه استعمال می‌شود، عبارت است از تعهد شرط واجب، الزام و التزام عهد عهده ذمه؛ تکلیف در لغت به امری گفته می‌شود که همراه با اجبار و الزام بوده و نوعی دشواری را در برداشته باشد (عمید، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۹).

تکلیف از ریشه «ک - ل - ف» و در لغت به معنای درخواست یا امر کردن کسی به انجام دادن کاری دشوار است (فیروزآبادی، بی‌تا، ص. ۱۹۲). «تکلیف» در لغت به معنای امر به انجام دادن کاری است که انجام دادنش برای کسی که به او امر شده مشقت دارد و در اصطلاح، اوامر و نواهی خداوند به بندگانش است در جهت انجام دادن یا ندادن بعضی افعال. از همین معنای اصطلاحی است که تعبیر «دار تکلیف» یعنی دنیا که آدمی در آن موظف به انجام دادن تکالیفش است و نیز اصطلاح «سن تکلیف» به معنای سن رسیدن به بلوغ و انجام دادن وظایف شرعی به وجود آمده است. مخاطب تکلیف، «مکلف» نامیده می‌شود (موسوی سیار، ۱۴۰۲، ص. ۵۶).

۲-۴- رسانه

رسانه در لغت اسم آلت از مصدر «رسانیدن» و به معنای وسیله رسانیدن و در اصطلاح علوم ارتباطات اجتماعی مقصود از «رسانه» وسیله رسانیدن پیام از پیام‌دهنده به پیام‌گیرنده است (عمید، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۹). در فرهنگ اندیشه نو نیز رسانه به عنوان اصطلاحی کلی برای اشاره به سیستم‌ها یا دستگاه‌های انتقال اطلاعات یا سرگرمی به کار برده می‌شود؛ مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، فیلم، کتاب، نوار و غیره. چیزی که پیامی را می‌رساند مانند رسانه جمعی، وسیله‌ای که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند، مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه، مجله، و شبکه‌های رایانه‌ای، رسانه ارتباط جمعی است (معمدنژاد، ۱۳۷۱، ص. ۶۸).

رسانه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی تأثیرگذار در حوزه زن و خانواده، اگر در ارائه الگوی مناسب از تکریم زن مسلمان ایرانی طبق آموزه‌های دینی موفق عمل کنند، در نزدیک کردن زن مسلمان ایرانی به جایگاه واقعی خود کارساز خواهند بود. تحقق این امر نیازمند بازخوانی متون اسلامی در زمینه کرامت و جایگاه زنان و نیز طراحی راهبردهای عملی برای رسیدن به این هدف است. مهم‌ترین عامل تکریم زنان در سیما و نمایش زنان در جایگاه مطلوب قرآنی، داشتن راهبرد واحد درباره چگونگی ارائه تصویر زن در سیما است و برای تحقق آن تعیین اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ضروری است (عباسی، ۱۳۹۲، ص. ۹).

۲-۵- اقسام کرامت انسانی

۲-۵-۱- کرامت فردی (اخلاقی) و کرامت اجتماعی (حقوقی)

اینکه انسان‌ها از نظر التزام به اوامر و نواهی الهی و تقوا یکسان نبوده و حتی برخی از آنان کاملاً زندگی خود را در جهتی مخالف با خواست الهی قرار داده‌اند، امری است واضح و روشن؛ اما باید توجه داشت که دارا بودن عقیده صحیح و میزان رعایت تقوا فقط و فقط موجب تفاوت در جان انسان‌ها در آخرت و در پیشگاه الهی می‌گردد. همچنان که آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات به این معنا تصریح می‌کند: همانا باکرامت‌ترین شما (نزد خدا) با تقواترین شماست، ولی نباید آن را به عنوان ملاکی برای بهره‌مندی از حقوق انسانی در این

دنیا قرار داد و بدین‌ترتیب انسان‌ها را برای بهره‌مندی از حقوق بر اساس نوع عقیده و میزان تقوای آنان، تقسیم‌بندی نمود؛ زیرا تقوا و عقیده اموری «عارضی» هستند که نمی‌توانند موجب سلب کرامت ذاتی انسان شوند. افراد جامعه از امتیازات و حقوق اجتماعی یکسانی برخوردار نیستند بلکه حقوق ایشان براساس معیارهای معقول و مقبول نزد انسان متفاوت است. پس اگرچه عدالت یک کرامت اخلاقی و فردی است؛ اما در صحنه حقوق اسلامی اجتماعی مؤثر است. وانگهی با نگاهی عمیق می‌توان گفت هر گزاره اخلاقی عملی را که وارد علم فقه کنیم یک حکم فقهی نیز از احکام تکلیفی پنج‌گانه خواهد داشت. چه اینکه مربوط به فعل انسان بوده و هیچ فعلی خالی از احکام پنج‌گانه نیست (حقیقت‌پور و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۵۱).

۲-۶- اصل و محور کرامت انسانی در حقوق خانواده

بین کرامت انسانی و حقوق خانواده باید رابطه متقابل وجود داشته باشد و قانون‌گذاران در حقوق مربوط به خانواده باید با توجه به اصل کرامت انسانی و شأن انسان‌ها قوانین را تدوین کنند و متوجه این مسئله باشند که اخلاق و رعایت کرامت انسانی در خانواده بسیار مهم‌تر از اجرای قوانین حقوقی در این نهاد حساس می‌باشد. کرامت انسانی و حقوق خانواده همواره به‌عنوان دو محور بحث در خانواده مطرح می‌باشند. کرامت انسانی ویژگی ذاتی آدمی است، به‌گونه‌ای که هر انسانی موجودی کرامت‌مند است و سزاوار آن است که به این بُعد از ذات انسان توجه ویژه‌ای شود. اگرچه کرامت انسانی، امروزه در کانون توجه جهان قرار گرفته است؛ اما همه رویکردها در قانون‌گذاری با کرامت انسانی همراه نمی‌باشد. همچنین استواری کل نظام حقوق خانواده، بر ویژگی کرامت انسانی از اولویت بیشتری برخوردار است (رحیمی‌نژاد و حبیب‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۵).

۲-۶-۱- کرامت انسانی در نظام حقوقی رسانه‌ای ایران

در نظام حقوقی رسانه‌ای ایران، کرامت انسانی جایگاهی والا دارد و رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه، نقشی کلیدی در هدایت افکار عمومی به‌سوی ارزش‌ها و معنویت ایفا می‌کنند. تحقق این نقش منوط به پایبندی رسانه‌ها به اخلاق، فرهنگ و باورهای جامعه

است. رسانه‌ها ابزار اصلی گروه‌های مختلف برای ترویج اهداف و ارزش‌های خود هستند و دستیابی به آن‌ها یکی از اولویت‌های اجتماعی است. با این حال، توجه به حقوق شهروندی و مسئولیت‌های رسانه‌ای امری ضروری است. کرامت انسانی، مبنای حقوق بشر بوده و در حقوق ارتباطات نیز نقش حیاتی دارد، به‌ویژه در قوانین مرتبط با مطبوعات، جرائم اینترنتی و حفظ حیثیت افراد. توجه به این اصل می‌تواند بسیاری از چالش‌های حقوقی این حوزه را برطرف سازد (جعفرزاده/اقدام، ۱۳۹۷، ص. ۲۷).

در حوزه حقوق رسانه، با توجه به اینکه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند از یک‌سو، به‌طور قابل توجهی باعث افزایش اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، از جمله حق آزادی بیان، اطلاعات و ارتباطات، حق بر آموزش و پرورش، حق تجمعات و حق انتخابات آزاد شود؛ اما از سوی دیگر، ممکن است اثرهای منفی بر این موارد و سایر حقوق، آزادی‌ها و ارزش‌ها مانند احترام به زندگی خصوصی و محرمانه بودن مکاتبات، کرامت انسانی و حتی حق زندگی بگذارد (حبیب‌زاده و فرج پوراصل مرندی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵).

توجه به کرامت انسان، یکی از اصول قواعد حقوق بشر است. تمام حقوق انسان‌ها بر حسب کرامت انسانی توجیه‌پذیر هستند. بر پایه همین کرامت انسانی، مصادیق حق به رسمیت شناخته می‌شود. کرامت انسانی در حوزه حقوق ارتباطات دارای مقام و جایگاه بالایی است (معمدنتژاد، ۱۳۹۰، ص. ۳۵).

۳- حقوق زوجه

هرچند قوانین مصوب در ایران، در اکثر موارد جز در موارد خاص، برای احقاق حق همه افراد اعم از زن و مرد به‌صورت یکسان اجرا می‌شود؛ اما برخی از مواد قوانین عمومی و حتی برخی قوانین به‌صورت اختصاصی در حمایت از حقوق زنان و به‌جهت منع تبعیض علیه زنان تصویب شده‌اند. خانواده، بنیان جامعه اسلامی و زن، بنیان خانواده است. از این رو، قانون اساسی توجه ویژه‌ای به موضوع زن و حقوق زنان نشان داده است (هاشمی و دیگران، ۱۴۰۳، ص. ۱۳).

در مقدمه قانون اساسی، علاوه بر تصریح بر نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی،

مبحث ویژه‌ای تحت عنوان «زن در قانون اساسی» آمده است. اختصاص بخشی از مقدمه قانون اساسی به موضوع زن، حاکی از توجه خاص نظام جمهوری اسلامی به جایگاه زنان دارد. علاوه بر بخش مقدمه، برخی از اصل‌های قانون اساسی نیز به موضوع حقوق زنان پرداخته است. در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی آمده است: تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف دولت است. بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، نفقه زن بر عهده شوهر است و طبق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، زن می‌تواند به محکمه مراجعه کند و دادگاه او را محکوم به پرداخت نفقه خواهد کرد و در صورت امتناع مجدد از پرداخت، مسئولیت کیفری خواهد داشت (نیازی و رضانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۷).

جمهوری اسلامی ایران در راستای اعتلای کرامت، شرافت و شخصیت اجتماعی و انسانی زنان، به پیشرفت‌های قابل‌توجهی دست یافته است و اقدامات گسترده‌ای در زمینه ارتقاء وضعیت بهداشتی، آموزشی، ایجاد اشتغال، تأمین امنیت زنان و مبارزه با خشونت علیه زنان و افزایش حضور اجتماعی زنان از طریق حضور در مناصب تصمیم‌گیری به‌انجام رسانده است. تشکیل نهادها و مراکز خاص زنان، تدوین و تصویب قوانین و مقررات عام و خاص متعدد در زمینه حقوق زنان، ایجاد و گسترش جریان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی با هدف دفاع از حقوق زنان، رشد زنان در کلیه عرصه‌های پزشکی، فناوری، آموزشی، حمایت از اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان، فعالیت در حوزه‌های اقتصادی و کارآفرینی، افزایش سهم دختران در مقاطع مختلف تحصیلی و آموزش عالی، اقدامات انجام‌شده در حوزه ورزش، فرهنگ و هنر، حمایت از زنان آسیب‌پذیر، مبارزه با خشونت علیه زنان، رشد حضور زنان در عرصه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری و ... به‌همراه آمارهای ارائه‌شده در این بخش‌ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه‌ای به زنان، توانمندی‌های آن‌ها و حفظ و ارتقای حقوق زنان دارد. در همین زمینه، برخی درخواست‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران در ابعاد حقوقی-قضایی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی تحقق یافته است (موسوی شهری، ۱۴۰۰، ص. ۳۶).

حق و حقوق زوجه در زندگی مشترک، شامل دو دسته حقوق مالی و غیرمالی است.

از جمله حقوق زن در ازدواج از نوع حقوق مالی، حق نفقه، مهریه، اجرت‌المثل، تنصیف دارایی، ارث و مستمری شوهر بوده و حقوق غیرمالی زن در ازدواج، می‌تواند به صورت حق طلاق، حق کار و تحصیل، حق سفر و تعیین محل سکونت باشد. یکی از مهم‌ترین حقوق زن در ازدواج، حق مهریه است که از نوع حقوق مالی زوجه در عقد نکاح می‌باشد. با این توضیح که به محض وقوع عقد نکاح دائم یا موقت، زن، مالک مهریه‌ای که حین عقد تعیین شده است، خواهد گردید و می‌تواند آن را مطالبه نموده یا اقدام به بخشش مهریه نماید. لازم به ذکر است که حق مهریه زن، اختصاص به عقد دائم نداشته و در عقد موقت نیز، زوجه از مهریه برخوردار می‌گردد و اصولاً ذکر آن حین عقد، شرط صحت صیغه می‌باشد (اسدی، ۱۳۸۲، ص. ۵۸).

از جمله دیگر حقوق مالی زوجه در ازدواج که غالباً پس از طلاق مطرح می‌شود، حق تنصیف اموال و دارایی‌های مرد پس از ازدواج می‌باشد که بر اساس آن، اگر مردی اقدام به طلاق دادن همسر خود نموده و در طول زندگی مشترک اموالی به دست آورده باشد، در صورتی که این شرط را در عقدنامه امضا کرده باشد، می‌بایست نصف آن را به زوجه بپردازد. این حق معمولاً زمانی مطرح می‌شود که طلاق از طرف مرد (زوج) درخواست شده باشد. منظور از اموالی که باید نصف شود، دارایی‌هایی است که مرد در طول زندگی مشترک با همسرش به دست آورده است، نه اموالی که قبل از ازدواج داشته یا از راه ارث یا هدیه به دست آورده است (امین‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۶۷).

مهریه دینی است بر ذمه مرد که به محض وقوع عقد نکاح، زن مالک آن می‌شود و می‌تواند آن را مطالبه کند. مگر اینکه زن با رضایت کامل، تمام یا بخشی از آن را ببخشد (ابراء کند) (حسینی زحمتکش، ۱۳۹۵، ص. ۷۹).

در نظام حقوقی ایران، حقوق زوجه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به مرور زمان با تحولات قابل توجهی مواجه شده است. در گذشته، مردان می‌توانستند بدون ارائه دلیل موجه و در هر زمان، همسر خود را طلاق دهند؛ اما با گذر زمان و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، تغییراتی در قوانین ایجاد شد که به زنان نیز در شرایط خاصی حق درخواست طلاق اعطا کرد. یکی از مهم‌ترین این تغییرها، ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی است که به زن اجازه

می‌دهد در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه یا ناتوانی وی در تأمین آن، به دادگاه مراجعه کرده و درخواست طلاق کند. همچنین، ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زن این امکان را می‌دهد که در صورت وجود عسر و حرج (مشقت و سختی غیرقابل تحمل) در زندگی مشترک، تقاضای طلاق نماید. مواردی مانند اعتیاد مضر شوهر، ترک زندگی خانوادگی بدون عذر موجه، محکومیت به حبس بلندمدت و ضرب و شتم زوجه از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌شوند. علاوه بر این، ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی به زوجین اجازه می‌دهد تا در زمان عقد نکاح، شروطی را به صورت ضمنی در عقدنامه قید کنند. این شروط می‌توانند شامل مواردی باشند که در صورت تحقق آن‌ها، زن بتواند از حق طلاق برخوردار شود. برخی از این شروط عبارت‌اند از:

۱. اعطای وکالت بلاعزل به زن برای طلاق؛

۲. حق ادامه تحصیل و اشتغال؛

۳. حق تعیین محل سکونت؛

۴. حق خروج از کشور با اجازه کتبی شوهر؛

۵. حق حضانت فرزندان در صورت طلاق.

این شروط ضمن عقد، به زنان این امکان را می‌دهد که در صورت بروز مشکلاتی در زندگی مشترک، بتوانند از حقوق قانونی خود بهره‌مند شوند و در مواقع لزوم، اقدام به طلاق نمایند. در نتیجه، با توجه به تحولات قانونی و اجتماعی، زنان در نظام حقوقی ایران از حقوق بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شده‌اند. با استفاده از ابزارهایی مانند شروط ضمن عقد و آگاهی از حقوق قانونی، می‌توانند در جهت حفظ کرامت و حقوق خود در زندگی مشترک گام بردارند.

۳-۱- حق زوجه در فسخ نکاح به دلیل جنون مرد

در حالت کلی جنون به سه دسته ادواری، آنی و مستمر تقسیم می‌شود. در این راستا قانون‌گذار تأکید دارد که تفاوتی میان جنون ادواری و جنون مستمر وجود ندارد. مطابق با ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی، جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار، مانند اینکه مستمر یا

ادواری باشد، برای طرف مقابل موجب حق فسخ می‌شود (ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی).

۳-۲- حق زوجه در مسئله نفقه

نفقه از جمله حقوقی است که متعلق به زن می‌باشد و اعم است از خوراک و پوشاک و سایر اقلام موردنیاز زن. حق نفقه با جاری شدن عقد نکاح، تحقق می‌یابد (ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی).

۳-۳- حق زوجه در استفاده و اعمال شروط ضمن عقد

در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی در رابطه با حقوق زن در استفاده و اعمال شروط ضمن عقد، این‌طور آمده است: «زن در زمان عقد می‌تواند هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد، بر مرد اعمال نماید» (ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی).

۳-۴- حق زوجه در تصرف دارایی خود

به‌موجب ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی، زن از استقلال مالی برخوردار است و می‌تواند از هر روشی که بخواهد، دارایی‌های خود را تصرف نماید و این دارایی‌ها، هیچ منافاتی با دریافت نفقه ندارد (ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی).

۳-۵- حقوق زوجه در مسئله فسخ نکاح

اگرچه طلاق در اختیار مرد است؛ اما فسخ نکاح از جمله حقوق مشترک میان زوجین می‌باشد. با فراهم شدن شرایط فسخ، حق فسخ نیز محقق می‌شود. برابر با ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، هرگاه زن یا مردی خود را واجد صفاتی معرفی کنند که بعد از عقد، فقدان آن مشخص گردد، این امر تدلیس بوده و از موجبات فسخ عقد می‌باشد. در ارتباط با ناتوانی جنسی زوج، زوجه می‌تواند همانند دیگر شرایط فسخ نکاح، قضیه را با جنبه اعلامی آن بیان دارد. بعد از اینکه یک سال به پزشکی قانونی یا دادگاه مراجعه کرد و ناتوانی زوج قابل درمان نبود، دادگاه اقدام به فسخ نکاح می‌نماید (ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی).

۳-۶- حقوق زوجه در استفاده از حق حبس

هرگاه مردی از پرداخت مهریه همسر خود امتناع ورزد، برابر با ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، زن می‌تواند از انجام وظایف زناشویی خود اجتناب کند. حتی در این شرایط نیز مرد موظف به پرداخت نفقه است (ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی).

۳-۷- حقوق زوجه در طلاق رجعی

در شرایطی که طلاق رجعی صورت گرفته است زوج موظف به پرداخت نفقه خواهد بود. در چنین حالتی اگر مرد فوت کند، زن مستحق دریافت ارث می‌باشد. همچنین در صورتی که مرد تصمیم به ازدواج داشته باشد، این کار باید با اجازه دادگاه و یا همسر اول وی صورت گیرد. در ایام عده مرد امکان ازدواج با خواهر زن خود را ندارد و این زنا، زناى محصنه نام می‌گیرد. علاوه بر این زوجه می‌تواند کلیه وظایف زناشویی را که در تضاد با ماهیت طلاق نیست، تمام و کمال انجام دهد (مامی، ۱۳۵۲، ص. ۲۷).

۳-۸- حقوق زوجه در انتخاب محل سکونت

از مهم‌ترین حقوق زن در قوانین اساسی و مدنی ایران، انتخاب محل سکونت است. این بدان معناست که زن می‌تواند حق سکونت را به شروط ضمن عقد ضمیمه نماید. با این حال ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی اشاره داشته است که در مواردی زن این حق را دارد که بدون اذن زوج منزل وی را ترک کند؛ به عنوان مثال مسئله مهمی مانند خروج از کشور در هر شرایطی نیازمند اذن زوج است، مگر زنی که مستطیع شده و قصد رفتن به حج تمتع را دارد. در این شرایط زوجه می‌تواند بدون کسب اجازه از زوج، اقدام به ترک منزل نماید (انصاری‌پور و صادقی مقدم، ۱۳۸۴، ص. ۵۵).

۳-۹- تنصیف اموال

تنصیف اموال بین زن و شوهر یا تقسیم اموال یا توزیع منصفانه، به تقسیم اموال مکسوبه زوجه در بین آن‌ها به‌طور برتری مرد به زن گفته می‌شود. به‌علاوه بدین‌شکل که تعهد انتقال و تملیک بلاعوض تا نصف دارایی تحصیل‌شده زوج در زمان زوجیت، بین زوجین

صورت پذیرد؛ این کار ممکن است از طریق توافقی چون حل و فصل اموال یا از طریق حکم دادگاه صورت گیرد. تقسیم قضایی حقوق و الزامات اموال بین همسران در جریان طلاق است (استادی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۴۲۵).

۳-۹-۱- تقسیم و تنصیف اموال مرد بعد از طلاق

همان‌طور که در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی آمده: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند، مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آن‌ها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد (ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی).

بنابراین هر شرطی که خلاف ذات عقد ازدواج نباشد را می‌توان در عقدنامه گنجانند و یکی از شروط ضمن عقد که امروزه در سند چایی ازدواج آورده شده آن است که: «چنانچه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، زوج مکلف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با زوجه به دست آورده یا معادل آن را، به صورت بلاعوض به زوجه منتقل نماید. در این مبحث نیز کرامت انسانی زن مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۱۰-۱- نقش رسانه در احیای کرامت انسانی در حقوق زوجه

در جهان امروز، رسانه‌ها به عنوان یکی از ارکان اصلی جوامع، نقش مهمی در ارتقای آگاهی عمومی نسبت به حقوق زنان، به ویژه حقوق زوجه دارند. رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، رادیو و مطبوعات، با جهت‌دهی صحیح اطلاعات، می‌توانند حقوق زنان را از حاشیه به متن جامعه آورده و افکار عمومی را نسبت به اهمیت رعایت این حقوق حساس کنند (جنادله و رهنما، ۱۳۹۷، ص. ۳۵). در همین راستا، دولت‌ها موظف‌اند بر اساس اصل

بیست‌ویکم قانون اساسی، زمینه‌های لازم برای حمایت از کرامت انسانی زنان را فراهم کنند. یکی از مهم‌ترین ابزارها در این زمینه، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها برای مقابله با تبعیض و ترویج مشارکت برابر زنان در جامعه است. رسانه‌ها در تحقق این اهداف نقشی کلیدی دارند. آن‌ها می‌توانند با انتشار مطالب آگاهی‌بخش و نقد دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز، جایگاه حقوقی و اجتماعی زنان را ارتقا دهند. فعالان حقوق زن با استفاده از رسانه‌های سنتی و نوین توانسته‌اند فرهنگ مردسالارانه را به چالش کشیده و دیدگاه‌های جدیدی در حوزه حقوق زوجه مطرح کنند. در سال‌های اخیر، جنبش‌های اجتماعی علیه تبعیض جنسیتی، آزار جنسی و قتل‌های ناموسی با کمک رسانه‌ها گسترش یافته‌اند. این رسانه‌ها با نشان دادن چهره‌های شناخته‌شده و بیان اعتراضات عمومی، فضای مجازی را به بستری برای تقویت آگاهی حقوقی زنان تبدیل کرده‌اند (نصیری، ۱۳۹۶، ص ۵۳). در مجموع، رسانه‌ها - چه سنتی و چه نوین - نقش مؤثری در احیای کرامت انسانی زنان، به‌ویژه زوجه ایفا می‌کنند. آنان با انعکاس حقوق زنان، مقابله با تبعیض و ایجاد گفتمان‌های جدید، به تقویت بنیان خانواده و برابری حقوقی در جامعه کمک می‌کنند (جعفرزاده/ا قدم، ۱۳۹۷، ص ۶۷؛ نصیری، ۱۳۹۶، ص ۵۳؛ مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۳۶۰).

۳-۱۰-۱- نقش صداوسیما در حوزه خانواده

در جهان امروز، رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون، به یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری نگرش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری خانواده‌ها تبدیل شده‌اند. تلویزیون که به تعبیر برخی محققان «عضوی از خانواده» محسوب می‌شود، نقشی دوگانه دارد؛ از یک‌سو می‌تواند به تقویت همبستگی خانوادگی و انتقال ارزش‌های صحیح کمک کند و از سوی دیگر، ممکن است با القای الگوهای ناصحیح، زمینه‌ساز آسیب‌های فرهنگی و رفتاری در روابط خانوادگی شود (میرزایی و امینی، ۱۳۹۵، ص ۴۸). رسانه ملی با درک اهمیت نقش خود در خانواده، موظف است در راستای تبیین و حمایت از حقوق زوجه و کرامت انسانی زنان، محتوایی متناسب با ارزش‌های اخلاقی، دینی و هویتی جامعه ارائه دهد. تلویزیون با توجه به دامنه نفوذ بالای خود، می‌تواند در جهت ترویج فرهنگ احترام به حقوق زنان، مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و آموزش مهارت‌های ارتباطی سالم در خانواده‌ها نقش مؤثری ایفا کند (روشندل اربطانی،

۱۳۹۵، ص ۱۱۳). این نقش به‌ویژه زمانی پررنگ‌تر می‌شود که رسانه در کنار نهادهای دیگر، همچون آموزش و پرورش و نهادهای مدنی، به‌عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و تغییر نگرش عمومی نسبت به زنان عمل کند. استفاده هدفمند از پیام‌های تصویری، داستان‌پردازی‌های اجتماعی و گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، این امکان را به تلویزیون داده است که بر شکل‌گیری هویت زنان، تقویت عزت نفس آن‌ها، و اصلاح نقش‌های جنسیتی اثرگذار باشد؛ بنابراین، صداوسیما نه تنها وسیله‌ای برای سرگرمی و اطلاع‌رسانی بلکه ابزاری راهبردی در جهت تثبیت جایگاه حقوقی و اجتماعی زنان در خانواده و جامعه به‌شمار می‌آید؛ مشروط به آنکه با رویکردی آگاهانه، متعهدانه و عاری از تعصب جنسیتی به ایفای نقش خود بپردازد (میرزایی و امینی، ۱۳۹۵، ص ۴۸؛ روشندل اربطانی، ۱۳۹۵، ص ۸۳).

۴- مفهوم کرامت انسانی در قوانین و مقررات رسانه‌ای ایران

کرامت انسانی با توجه به اهمیت بسیار فراوانی که دارد؛ اما در هیچ‌کدام از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها تعریف نشده است. دانشمندان فلسفه و اخلاق، از اولین کسانی بودند که تأکید فراوانی بر روی اصطلاح کرامت انسانی داشته‌اند و بدین‌خاطر سبب شده است که جنبه فلسفی و اخلاقی کرامت انسانی، بر جنبه حقوقی آن ارجحیت داشته باشد و هر موقع که بخواهیم تعریفی از این اصطلاح بیان کنیم، ناچاریم به تعاریف فلسفی و اخلاقی آن رجوع کرده و حتی معنای حقوقی آن را از تعاریف سابق غیرحقوقی بگیریم. یکی از کاربردهای فراوان این اصطلاح، در گرایش حقوق رسانه می‌باشد. در رسانه‌ها به‌دلیل فعالیت‌های بسیار وسیع و گسترده‌شان، موارد زیادی در نقض کرامت انسانی مخاطبان و سایرین رخ می‌دهد و برای مقررات‌گذاری در این زمینه و حل‌وفصل مشکلات ناشی از این موارد، می‌بایست کرامت انسانی را در حوزه حقوق رسانه موردتوجه قرار دهیم. به‌نظر می‌رسد کرامت انسانی در نظام حقوقی کشورها و همچنین در نظام حقوقی بین‌الملل، موردتوجه بسیار قرار گرفته است؛ اما چون نظام‌های حقوقی نتوانسته‌اند ضمانت اجرای مناسبی برای تبعیت از کرامت انسانی ارائه کنند، این مفهوم بین دیگر مفاهیم حقوق بشری مهجور مانده است. با آنکه در قوانین مطبوعاتی و دستورالعمل‌های اخلاقی رسانه‌ای،

ضمانت‌هایی در نقض کرامت انسانی آمده؛ اما لازم است تا با دید وسیع‌تر به این مقوله توجه شود. در نظام حقوقی رسانه‌ای کشورمان، با آنکه هنوز جایگاه خود را در کشور پیدا نکرده است؛ برای مثال در قانون مطبوعات به حمایت از کرامت انسانی توجه شده و به‌عنوان مختلف، موارد نقض آن را مجازات می‌کند؛ اما به‌صورت مجزا آن را مطرح نکرده است (جمالی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۵۲۵).

۵- نقش فیلم در احیای کرامت انسانی زوجه

بدون شک هنر، دقیق‌ترین و رساترین وسیله انعکاس اندیشه‌ها و آرمان‌های یک ملت است. درخشش هنر در عرصه فرهنگ نیز موجب بالندگی و تکامل و نویدبخش جامعه‌ای پرنشاط، پرامید و پیشرو خواهد بود. در این میان، هنر سینما قطعاً هنری برتر و فوق‌العاده است. هنری که شأن آن مؤثر بودن در پیشرفت و اعتلای کشور است. هنری که بازتاب عقاید، دیدگاه‌ها، فرهنگ و رویکرد یک ملت است. علی‌رغم تمام این توصیه‌ها و هنوز پس از گذشت چهل‌وهفت سال از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، هرچند شاهد رشد و اعتلای سینما چه به لحاظ کیفیت، محتوا و موضوع و چه به لحاظ کمیت فیلم‌ها بوده‌ایم؛ اما به‌خصوص در مقوله ظهور بانوان در این عرصه، نظاره‌گر تصویر واقعی زن و به‌اصطلاح زن تراز اسلامی به‌طور مطلق نبوده‌ایم و این آمار به‌قدری ناچیز است که درخور توجه نمی‌باشد. دیدگاه سینمای انقلاب اسلامی در مقوله زنان به‌عنوان عناصر حیات‌بخش خانواده، می‌بایست تبلور ایمان، تعهد، امید، حیا، نشاط و خودباوری باشد و نه در خدمت ابتدال و استحاله هویت انسان. با ساخت فیلم‌هایی با محتوای احترام به زن در محیط خانواده و اجتماع می‌توان موجب نمو کرامت انسانی در جامعه گشت (علیپور، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۲). تبلیغات بازرگانی در رسانه‌های سمعی بصری که پدیده‌ای نسبتاً نوظهور به‌شمار می‌رود، ارتباط تنگاتنگی با اخلاق و فرهنگ جامعه دارد. حضور گسترده زنان در تبلیغات بازرگانی توجه به پیامدهای این حضور را ضروری می‌نماید. استفاده ابزاری از زنان در رسانه‌ها همواره به‌عنوان یک موضوع غیراخلاقی و مغایر با حقوق زن در میان اندیشمندان مطرح بوده است. استفاده از زن در جایگاه‌های تحقیرآمیز و دون‌پایه و نیز به تصویر

کشیدن نقش وی به‌عنوان انسان درجه دوم در رسانه‌های غربی بسیار متداول شده است، درحالی‌که از نظر دین میین اسلام زن به‌عنوان یک انسان کامل دارای جایگاهی والا و ارزشمند است که از تمامی حقوق انسانی و نیز کرامت بشری به نحو کامل برخوردار می‌باشد. امروزه در بیشتر عرصه‌های اجتماع شاهد استفاده‌های تبلیغاتی از زنان هستیم. شعارهایی مانند حضور بانوان در عرصه‌های اجتماعی و حمایت از حقوق اجتماعی بانوان سرپوشی بر نیات پلید کسانی است که قصد بی‌حرمت کردن زن و کاستن ارزش‌ها در جامعه اسلامی را دارند. در سال‌های اخیر بانوان به عرصه‌های تبلیغات وارد شده‌اند و فروشندگان و تولیدکنندگان و تجار برای گرمی بازار خود از زنان استفاده تبلیغاتی می‌کنند. یکی از فرهنگ‌هایی که از غرب وارد کشور شده است و به‌نام تجدد و تمدن به خورد جامعه و جوانان داده می‌شود و نمادی از مدرنیته به‌شمار می‌رود استفاده‌های تبلیغاتی از بانوان است. ما می‌توانیم به‌جای تبلیغات با محتوای نادرست با تبلیغات کرامت زن و زوجه در جامعه موجب افزایش احترام و کرامت انسانی زوجه در جمع خانواده و اجتماع شویم (توسلی‌نیا، ۱۳۹۷، ص. ۶۷).

۶- وظایف دولت‌ها برای تأمین کرامت انسانی در رسانه

کرامت انسان به‌سبب داشتن استقلال ذاتی، آزادی اراده و اختیار، قدرت انتخاب و توانایی تعقل و تفکر و همچنین دارا بودن وجهه و نفخه الهی است؛ بنابراین احترام به این کرامت، مستلزم احترام به استقلال و آزادی انسان و قدرت انتخاب و تفکر و تعقل اوست؛ بنابراین در این خصوص یکی از اقداماتی که دولت‌ها برای حراست از حق کرامت انسانی انجام می‌دهند اعمال محدودیت‌هایی است که بتواند از این حق حمایت کند و موارد نقض آن را به حداقل برساند (امیدی، ۱۳۸۲، ص. ۲۸).

از آنجایی که حق کرامت انسانی در حوزه حقوق رسانه از جایگاه بسیار مهمی برخوردار می‌باشد و حساسیت زیادی نیز بر آن بار می‌شود، دولت‌ها به‌دلیل نقش مقتدرانه‌ای که در این زمینه ایفا می‌کنند جایگاه مهمی در رویه حراست از حق کرامت انسانی دارند که عبارت‌اند از:

۶-۱- توجه به سواد رسانه‌ای

یکی از وظایفی که برای دولت‌ها برشمرده می‌شود توجه به سواد رسانه‌ای و توسعه سواد رسانه‌ای است که از این طریق بتوان جایگاه کرامت انسانی را نهادینه کرد و توجه و رعایت آن را بیشتر مدنظر قرار داد (جهانگیری و گروسی، ۱۳۹۸، ص. ۹۹).

۶-۲- توجه به مقررات رسانه‌ای موفق کشورها

یکی از موارد حراست از حق کرامت انسانی در نظام حقوقی رسانه‌ای، توجه و اعمال مقررات موفق در زمینه حقوق رسانه (عموماً) و کرامت انسانی (خصوصاً) کشورهای دیگر می‌باشد؛ برای مثال در صربستان درحال حاضر، چهارچوب قانونی مرتبط با رسانه‌ها شامل قانون اطلاعات عمومی قانون پخش رادیو و تلویزیون و قانون دسترسی آزاد به اطلاعات مهم عمومی و قانون تبلیغات و قانون تصویب کنوانسیون اروپایی، تلویزیون می‌باشد (متمدن‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۳۵).

۶-۳- توجه و اعمال قوانین الگوهای نهادهای حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای

یکی از مواردی که باعث نزدیک کردن و هماهنگی بیشتر قوانین و مقررات رسانه‌ای کشورها می‌شود، توجه به قوانین الگویی است که برخی مؤسسات و اتحادیه‌ها آن را تدوین می‌کنند؛ برای مثال اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور یک قانون الگو برای قانون پخش خدمت عمومی منتشر کرده است که مفادی از آن به بحث کرامت انسانی توجه شده است و ما می‌توانیم برای آگاهی بیشتر از نحوه مقررات‌گذاری در امر رسانه از آن بهره ببریم (جعفرزاده اقدم، ۱۳۹۷، ص. ۲۷).

۶-۴- آموزش به فعالان درگیر در حوزه کرامت انسانی در حقوق رسانه

به همراه ضمانت‌های اجرایی که برای نقض حقوق اساسی در رسانه‌ها وضع می‌شود می‌بایست به بحث آموزش نیز تأکید کرد تا این اقدامات در جوامع نهادینه شوند. در راستای این سیاست‌گذاری‌های صحیح در جلساتی که توسط شورای کشور برگزار

می‌شد، شرکت کردند.

۶-۵- استفاده از اصحاب رسانه کرامت‌مدار

روزنامه‌نگاران جزء مردم‌اند و رسانه‌های خبری نیز از مردم تشکیل شده‌اند. آنها به‌عنوان انسان در انفعال و گسستگی جهان ما سهیم‌اند. کاستی آنان موجب کاستی دیدگاه و برداشت آنها از موقعیتی است که در آنند و رابطه‌ای که با واقعیت دارند یعنی رابطه‌شان با خوانندگان، شنوندگان و بینندگان و کاستی آنها بر انگیزه‌ها، خصوصیات و برنامه‌ها و اجرای وظایف آنها تأثیر می‌گذارد (جنادله و رهنما، ۱۳۹۷، ص. ۳۵).

۷- جایگاه خانواده و حقوق زوجه در رسانه

یکی از معیارهای خانواده منسجم، پیوند عاطفی است. این پیوند با گفت‌وگوی مداوم و تبادل افکار میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد و به‌عنوان عاملی انگیزشی، بر انسجام خانواده می‌افزاید. این روند می‌تواند همچنان ادامه یابد. براین اساس، پیوند عاطفی و انسجام خانواده، ارتباط مثبت و همبستگی بالایی با یکدیگر دارند. عوامل گوناگونی به پیوند عاطفی خانواده آسیب می‌رساند و درنهایت به هم پیوستگی آن را تهدید می‌کند. یکی از این عوامل، گسترش رسانه‌های جمعی و زیاده‌روی در استفاده از آنهاست. رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های شنیداری که ارتباط آنها یک‌سویه است، به‌دلیل کارکرد متنوع خود و دگرگون‌سازی‌های پیوسته، رفته‌رفته جای ارتباط‌های دوطرفه از نوع چهره‌به‌چهره را گرفته و توانسته‌اند فضای انفرادی را جایگزین فضای اجتماعی خانواده کنند، به‌گونه‌ای که گسترش فنی رسانه‌های شنیداری و رایانه‌ای، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از گروه دارد (عرب شیبانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵).

تاریخچه فیمینیسم حکایت از آن دارد که رسانه‌های سنتی توانسته‌اند نقش به‌سزایی در ایجاد برابری حقوق زنان با مردان در جوامع ایفا کنند. فیمینیسم به جنبش‌های ایدئولوژیکی اطلاق می‌شود که هدف آنها برقراری فرصت‌های برابر برای زنان با مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی-اقتصادی است. این جنبش‌ها

همواره سرکوب زنان و نابرابری‌های جنسیتی را در جوامع مردم‌محور مورداعتراض قرار داده است. حقوق زنان اصطلاحی است که اشاره به آزادی زنان در تمام سنین دارد. احقاق حقوق زنان به شکل جنبش‌های فمینیستی در چهار مرحله شکل گرفت که در هریک از آن‌ها، رسانه‌ها به عنوان ابزارهای اصلی این جنبش‌ها، نقش مهمی را در توسعه این ایدئولوژی ایفا کرده‌اند. اگرچه موج اول این جنبش‌ها در انگلستان با کارزار احقاق حق رأی زنان در انتخابات شروع شد؛ ولیکن توانست در طی چند دهه به کشورهای دیگر همچون آلمان، فرانسه و ایتالیا نیز سرایت کند. در اسلام، تساوی ارزشی بین زن و مرد و نیز یکسان بودن راه ترقی برای آن دو یک اصل اساسی است و بدون شک به این معناست که به حقوق زنان احترام زیادی گذاشته شده است و در این میان، رسانه‌ها به عنوان یک ابزار مادی برای ارسال پیام مورد استفاده قرار می‌گیرند و می‌توانند در تبیین و ارتقای حقوق زنان نقش مهمی را ایفا نمایند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲).

۸- ضمانت اجرای نقض کرامت انسانی در حقوق رسانه

رسانه‌ها می‌توانند با ترویج آگاهی‌های حقوقی و اجتماعی، هویت و کرامت انسانی زنان را تقویت کرده و شرایطی فراهم کنند که زنان از حقوق خود، مانند مهریه، نفقه، حق اشتغال، و سایر حقوق مرتبط با زندگی زنانه آگاه شوند. در عین حال، رسانه‌ها مسئولیت دارند تا از انتشار محتواهایی که ممکن است موجب تضعیف جایگاه و کرامت زنان در جامعه شود، خودداری کنند. بررسی عملکرد رسانه‌ها در این حوزه و میزان هماهنگی آن‌ها با قوانین و اصول حقوق بشری، می‌تواند تأثیر مهمی بر بهبود وضعیت زنان و برقراری تعادل در حقوق و تعهدات زوجه داشته باشد. امروزه رسانه‌های جمعی یکی از ستون‌های اصلی هر نظام اجتماعی و از ارکان اساسی و مهم هر جامعه‌ای می‌باشند که به سبب گستردگی و برخورداری از فناوری‌های روز همچنین تکثر و تعدد مخاطبان، نقش محوری در بازخوانی، بازتولید و اشاعه فرهنگ در جامعه دارند و نوعی ضمانت به حساب می‌آیند. رسانه‌های جمعی می‌توانند افکار عمومی را به سوی کمال، معنویت و راستی سوق داده، خدمتگزار جامعه، فرد و انسانیت باشند. این اصل زمانی تحقق می‌یابد که رسانه‌های جمعی

در نظر و عمل پایبند به اخلاقیات و موازین فرهنگی و اعتقادی جامعه باشند. رسانه‌ها مهم‌ترین موج انقلاب‌های فرهنگی در جهان را به وجود آورده‌اند. گروه‌های سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی زمان زیادی را صرف تبلیغ اهداف، ارزش‌ها و محصولات اقتصادی و فرهنگی خود از طریق رسانه‌ها می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت که دستیابی به رسانه‌های جمعی و تبلیغ ایدئال‌های ارزشی و هنجاری، از مهم‌ترین اهداف هر گروه اجتماعی در جامعه است (جعفرزاده/قدم، ۱۳۹۷، ص. ۶۷؛ فضلی روزبهانی و غمخواری، ۱۴۰۳، ص. ۴۵).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد این پژوهش با هدف بررسی نقش رسانه‌ها در احیای کرامت انسانی با محوریت حقوق متقابل زوجه انجام شده است. با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان گفت که با وجود اینکه کرامت انسانی ابعاد گسترده‌ای دارد، ولی در رسانه‌ها کمتر مشاهده می‌شود که به این مسئله توجه گردد و حجم عمده مطالب رسانه به اخبار خشن، جنگ، خون و خونریزی و ... اختصاص دارد که خواندن آن انسان را دچار تشویش می‌کند و روح بشری را که به دنبال صلح و آرامش است، مکرر می‌نماید؛ بنابراین توجه به عناصر و ارزش‌های کرامت انسانی مهم است و می‌تواند مردم را به صلح و آرامش سوق بدهد تا نسبت به این موضوع فکر کنند. رسانه‌ها با انتشار اخباری که حاوی ارزش‌های والای انسانی هستند، می‌توانند بزرگ‌ترین گام را بردارند و به رسالت خودشان عمل کنند.

اصطلاح «حقوق زنان» به آزادی‌های زنان در تمام سنین اشاره دارد. فعالان این حوزه توانسته‌اند با بهره‌گیری از رسانه‌های سنتی و نوین، هنجارهای موجود را به چالش کشیده و در کاهش تبعیض جنسیتی نقش‌آفرینی کنند. با این حال، جریان‌های سلطه نیز از رسانه به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. رسانه‌هایی چون تلویزیون، مطبوعات و ... با تأثیرگذاری روزافزون بر افکار عمومی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به کرامت انسانی و جایگاه اجتماعی زوجه ایفا می‌کنند.

امروزه جهان به شدت تحت تأثیر رسانه قرار دارد؛ به نحوی که اگر روز روشن باشد، رسانه می‌تواند طوری جلوه دهد که مخاطب فکر کند شب است و برعکس. رسانه‌های

کشور به راحتی امور بی‌ارزش را ارزشمند نشان می‌دهند و امور ارزشی را بی‌ارزش می‌کنند؛ مثلاً تصویری که فیلم‌ها و رسانه‌های کشور از زنان نشان می‌دهند طوری است که آنان موفق، آزاد و در رفاه هستند و به کرامت و جایگاه زنان در خانواده و محیط اجتماع می‌پردازند (حاتمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۹).

در قانون ایران، شرط اشتغال به تحصیل و کار زن و مرد یکسان است و هیچ تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد، در صورتی که تحصیل زن بدون اجازه شوهر باشد، مرد فقط می‌تواند مانع از آن شود؛ در غیراین صورت ادامه تحصیل جزء دلایل طلاق از سوی مرد نیست و زن می‌تواند به حق تحصیل خود دست یابد. با توجه به موارد گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که زن در تعهدات ازدواج به حق تحصیل خود دست می‌یابد و هیچ ناعدالتی برای زوجه در این زمینه وجود ندارد.

با توجه به تغییرات مداوم در تعهدات حقوقی رسانه‌ها در جوامع مختلف، این پژوهش به بررسی نقش رسانه‌ها در اعتلای هویت و کرامت انسانی با تأکید بر حقوق انسانی و اجتماعی می‌پردازد. هدف آن است که عملکرد رسانه‌ها در مواجهه با حقوق و کرامت انسان‌ها تحلیل شود و مبانی نظری این موضوع در کنوانسیون‌ها، قوانین داخلی و فرهنگ رسانه‌ای مورد واکاوی قرار گیرد. توجه به این ابعاد می‌تواند راهگشای اصلاح عملکرد رسانه‌ها در راستای تقویت ارزش‌های انسانی باشد.

با توجه به تغییرات مداوم در تعهدات و تکالیف رسانه‌ها در جوامع مختلف، نقش رسانه‌ها در بازتاب و شکل‌دهی به حقوق و تعهدات زوجه، به‌ویژه زنان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رسانه‌ها می‌توانند با ترویج آگاهی‌های حقوقی و اجتماعی، هویت و کرامت انسانی زنان را تقویت کرده و شرایطی فراهم کنند که زنان از حقوق خود، مانند مهریه، نفقه، حق اشتغال، و سایر حقوق مرتبط با زندگی زناشویی آگاه شوند. در عین حال، رسانه‌ها مسئولیت دارند تا از انتشار محتواهایی که ممکن است موجب تضعیف جایگاه و کرامت زنان در جامعه شود، خودداری کنند. بررسی عملکرد رسانه‌ها در این حوزه و میزان هماهنگی آن‌ها با قوانین و اصول حقوق بشری، می‌تواند تأثیر مهمی بر بهبود وضعیت زنان و برقراری تعادل در حقوق و تعهدات زوجه داشته باشد.

پیشنهادها

۱. با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود موضوع مورد بررسی با قوانین سایر ادیان و همچنین با نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف مقایسه و تطبیق داده شود تا ابعاد تطبیقی آن روشن‌تر گردد.
۲. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، به بررسی جنبه‌های مرتبط با تعرضات نسبت به زوج و کرامت انسانی از منظر فقه و حقوق پرداخته شود. تعرضات جنسی میان زوجین می‌تواند از دو منظر مورد تحلیل قرار گیرد: نخست، از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی و دوم، از منظر مسئولیت مدنی و خسارات معنوی. در این زمینه، به‌ویژه ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به‌عنوان مبنای قانونی مورد توجه قرار گیرد. همچنین، با توجه به آثار روانی و روحی این‌گونه تعرضات، بررسی آن از منظر حقوق مربوط به صدمات معنوی نیز حائز اهمیت است.
۳. پیشنهاد می‌شود دولت‌ها با هدف کاهش موارد نقض کرامت انسانی در فضای رسانه‌ای و پیشگیری از بروز مشکلات حقوقی آینده، در راستای آموزش و توانمندسازی اصحاب رسانه، به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای و رعایت اصول کرامت انسانی، اقدامات جدی و هدفمند انجام دهند.
۴. همچنین، پیشنهاد می‌شود کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های جمعی، به‌ویژه صداوسیما، به تولید و انتشار برنامه‌های متنوع و هدفمند در زمینه تبیین نقش اسلام در حمایت از حقوق زنان، نقش اجتماعی و خانوادگی زنان، و تساوی حقوق ایشان با مردان بر پایه آموزه‌های اسلامی اقدام نمایند تا آگاهی عمومی در این زمینه افزایش یافته و کلیشه‌های نادرست فرهنگی اصلاح گردد.

کتابنامه

قرآن کریم

- آمدی، مریم (۱۴۰۱). حقوق کرامت زن و رسانه. *دوفصلنامه علمی مطالعات فقه و حقوق رسانه*، دوره ۴، شماره ۲، ۷-۲۷.

ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). تعهدات زوجه سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان. حقوق کودک، ۸، ۱۱۳-۱۴۵.

ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و دهقان، مجتبی (۱۳۹۶). قانون اساسی و حقوق بشر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲۰، ۵۹-۳۳.

استادی، صفرعلی؛ عظیمی گرکانی، هادی و پورمنوچهری، سیدعلی (۱۳۹۹). بررسی رویه قضایی مربوط به شرط تنصیف دارایی زوج از منظر فقهی و حقوق شهروندی. حقوق پزشکی، ۱۴ (ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی)، ۴۲۳-۴۳۵.

اسدی، لیلاسادات (۱۳۸۲). آثار حقوقی طلاق به درخواست زوج، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۹.

اکبرنیا، علی و محمدی، محمدرضا (۱۳۹۴). حرمت و کرامت زن در خانواده از نگاه امام رضا. بی‌جا: بی‌نا.

امامی، حسن (۱۳۵۲). قانون مدنی ایران. تهران: کتابفروشی اسلامی.

امیدی، جلیل (۱۳۸۲). مبانی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر، مجله مجلس و پژوهش، سال ۱۰، ش ۲۸.

امین‌زاده، حسین‌محمد (۱۳۹۱). تنصیف دارایی زوجین در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

انصاری‌پور، محمدعلی و صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۴). اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکمه در این زمینه، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه حقوق.

توسلی‌نیا، دینا (۱۳۹۷). ابعاد حقوقی کرامت زن در تبلیغات بازرگانی. چهارمین کنفرانس ملی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات مدیریت، تهران.

جعفرزاده اقدم، مهدی (۱۳۹۷). نقش رسانه‌ها در شکوفایی هویت و کرامت انسانی با محوریت حقوق انسانی. چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰). تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر. تهران: دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

- جمالی، زیبا؛ خسروی، عمران؛ احمدیان، بهزاد؛ رئیسی، فاطمه؛ دهاز، علی و بیات‌نیا، مرجان (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات مثبت و منفی شبکه‌های اجتماعی بر خانواده‌ها. کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره ۹، ۵۲۵-۵۲۶.
- جنادله، علی و رهنما، مریم (۱۳۹۷). بازنمایی آسیب‌شناسانه رسانه‌های نوین در مطالعات خانواده (فراتحلیل مقالات چاپ شده درخصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده). *مطالعات رسانه‌های نوین*، (۱۶) ۴، ۱-۴۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶). *حق و تکلیف در اسلام*. تهران: بهار.
- جهانگیری، سعید و گروسی، ناصر (۱۳۹۸). حقوق زنان در اسلام و کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان، *نشریه راهبرد سیاسی*، شماره ۸، ۹۹-۱۰۱.
- حاتمی، عباس (۱۳۹۰). نظریه‌های مختلف دولت‌سازی و خانواده: به سوی یک چهارچوب‌بندی نظری. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۶ (۳ (۲۳))، ۲۰۹.
- حبیب‌زاده، توکل و فرج‌پوراصل مرندی، علی‌اصغر (۱۳۹۵). کرامت انسانی و ایتنای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن. *مطالعات حقوق عمومی (حقوق)*، ۴۶ (۱)، ۱۱۵-۱۳۷.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۵). کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، (۱۱) ۴، ۳۴-۱.
- حسینی زحمتکش، ریحانه‌سادات (۱۳۹۵). *سهم زوجه در اموال حاصله در دوران زندگی مشترک با نگاهی به آرای قضائی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گرایش فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حقیقت‌پور، تورج؛ سلیمی، علیرضا؛ حسینی، سیدعلیرضا و ناظمی اشنی، محمدحسین (۱۳۹۲). پاسداشت کرامت انسانی و رعایت حقوق غیرمسلمانان در فقه امامیه و حقوق موضوعه. *پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)*، ۱۲ (۴۵)، ۵۱.
- رحمانی، ابراهیم و موذنی، سیامک (۱۳۹۵). جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *راهبرد توسعه*، ۴۸، ۴۰-۲۴.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل و حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۷). مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های

- مغایر با کرامت انسانی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸: ۱۱۵.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی مدیریت رسانه. *فصلنامه رادیو و تلویزیون*، ش ۳.
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ تصحیح علی هلالی و علی شیرینی. بیروت: دارالفکر.
- شعبانی، مهدی (۱۳۹۰). کاربرد اصل کرامت انسانی در حقوق خانواده ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه امام صادق علیه‌السلام - دانشکده حقوق و معارف اسلامی.
- شفیعی سروسستانی، ابراهیم (۱۳۹۰). زن، نیم‌سلطه و رسانه‌ها. قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- عباسی، محسن (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی؛ آسیب‌ها و راهکارها. *فصلنامه تخصصی مطالعات جوان و رسانه*، ش ۹.
- عرب شیبانی، فاطمه (۱۳۹۰). *خانواده و رسانه*. تهران: آثار فکر.
- عروتی موفق، اکبر (۱۳۹۶). مبانی کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۶(۲۰)، ۱۵۵-۱۷۲.
- علیپور، فردین؛ رفیعی، حسن؛ علیار، عایشه و بهرامی، میترا (۱۳۹۸). ساخت و رواسازی فرم کوتاه همسرآزاری. *رفاه اجتماعی*، س ۱۹، ش ۷۲.
- عمید، حسن (۱۳۸۶). *فرهنگ عمید*. ویرایش هفتم. تهران: امیرکبیر.
- فضلی روزبهانی، محسن و غمخواری، فاطمه‌السادات (۱۴۰۳). *بررسی ابعاد حقوقی حمایت از مصرف‌کننده و رسانه در خانواده*. بی‌جا: بی‌نا.
- فیروزآبادی (م ۸۱۷ق). «کلف». *القاموس المحیط*. بیروت: دارالعلم.
- قانون مدنی (ماده‌های ۱۰۸۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۸)
- قره‌داغی، حمید. (۱۳۹۶). کرامت انسان از دیدگاه دانشمندان و اسناد بین‌المللی حقوق بشری. *مطالعات حقوقی*، ۹، ۲۳۵-۲۲۱.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۶۴)، حق، اخذ به شفعه. *مطالعات حقوقی و قضایی*. ش ۳، ۱۴۸.

- معمد نژاد، کاظم (۱۳۷۱). *وسایل ارتباط جمعی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- معمد نژاد، کاظم (۱۳۹۰). تحولات مبانی حقوقی آزادی رسانه‌ای در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. *فصلنامه پژوهش حقوق*، ش ۳۵.
- موسوی سیار، سیدمحمد امین (۱۴۰۲). *بررسی اجمالی شرایط عامه تکلیف از دیدگاه فقهی و حقوقی*. بی‌جا: بی‌نا.
- موسوی شهری، سیدمهدی (۱۴۰۰). *بررسی حقوق مالی زنان در قانون جمهوری اسلامی ایران*. تارنمای یاسا.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴). *مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی*. تهران: مؤسسه اطلاعات.
- میرزایی، حسین و امینی، سعیده (۱۳۹۵). تحلیل محتوای پیام‌های بازرگانی تلویزیونی با تأکید بر طبقه اجتماعی و سبک زندگی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۳.
- نصیری، معصومه (۱۳۹۶). *سواد رسانه‌ای و خانواده*. تهران: پشتیبان.
- نیازی، قدرت‌الله و رضانی، علی (۱۳۸۳). معیار نفقه زوجه. *نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، دوره ۲۱، ش ۶۵، ص ۱۴۷.
- هاشمی، عصمت؛ آذری، هاجر و شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۴۰۳). تحلیل رویه قضایی در دعاوی تقسیم اموال. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۹(۱۰۶)، ۱۸۷-۲۱۱.